



• مهرداد صدقی

• قسمت چهارم

معاصر آمریکایی

فصل سوم ■ سالهای جنگ داخلی

جنگ داخلی آمریکا که لرزه سهمگینی به ریشه مملکت وارد نمود، آثار طبیعی خود را به روی تمام وجوه زندگی آمریکایی به جای گذارد. با نگاه بر گنجینه هنر چاپی برآمده از جنگ بزرگ، در میان جریان سیل آسای تصاویر که بیشتر آنها کارهای شایسته هنری بودند به ندرت امکان شکایت و ایرادگیری به چشم می خورد. کاری که در کلیه مراحل گزارشهای تصویری انجام شد، به دلیل شتابی بود که مردم مشتاق به دریافت گزارشهای تصویری، بابتی تابی از نشریات انتظار داشتند.

در شروع درگیری، وسایل تولید و توزیع تصاویر چاپی، در معیار گسترده و حرکتی سریع به سوی تکامل عظیم در آینده، پا به عرصه گذاشتند. نیم قرن پیش از بروز جنگ، دوران گسترش دنیای چاپ بود که با سرعت شگفت انگیزی پیشرفت می نمود. طراحی و حکاکی کلیشه های چاپی، ریخته گری حروف و علائم، اصلاحات مکرر دستگاه های چاپ ماشینی، بهتر شدن مرکب و افزایش حجم تولید و همه جایی کاغذ از آن جمله اند.



Allen Carter Redwood (1834-1922).
The battle of Shiloh. The Century Magazine, February 1885.

جبهه‌های پی در پی به وسعت تقریبی پهنای قاره نیاز به اعزام گزارشگران بیشتری از مناطق صنعتی شمال پیش آمد، البته قسمت جنوبی هم کوشش خود را در حد توان انجام می‌داد. عکاسان هم که در رأس آنها ماتیو برادی مشهور بود، حضور داشتند. ولی آنها با دوربین‌های ابتدایی آن زمان نمی‌توانستند کار باارزشی انجام دهند. گزارش‌های آنها محدود به عکس‌هایی از اردوها در پیش از حمله یا بعد از حمله بود.

معمولاً برخلاف گزارش‌های تصویری، اخبار گویشی به وسیله تلگراف به سرعت از جبهه به ستادهای انتشاراتی فرستاده می‌شد. ولی طرح‌هایی که از نگاه مخاطبان ناقص و شتاب‌آلود پنداشته می‌شد، با تمام تلاش ممکن در صف مقدم تهیه شده و به ایستگاه راه‌آهن به طرف نیویورک فرستاده می‌شد. سپس در کارگاه‌های انتشارات، به وسیله هنرمندان مقیم که بعضی دارای مهارت بالا و بعضی هم با مهارت کم بودند، حتی‌الامکان برای انتقال روی صفحه چاپ اصلاح و تکمیل می‌گردید و سپس کار گراورسازی انجام می‌شد. خلاقیت در آن فضای آکنده از عواطف میهن پرستی که مردم و ناشران و هنرمندان را به سوی نمایش‌های افتخارآمیز سوق می‌داد، ناشی از تفکری بود که جنگ به وجود آورده بود.

هنرمند در صحنه جنگ با واقعیت در تماس بود،

در نتیجه همه این پیشرفت‌ها بود که به نظر می‌رسید مجلات هفتگی و ماهانه توان پاسخگویی به توده مخاطبان خود را داشته باشند. در این حال روزنامه‌ها هم نیاز به ارائه تصویر را احساس کردند. زیرا التهابی که در وضعیت جنگ در جامعه به وجود آمده بود، عطش مردم را به دریافت گزارشات مصور افزایش می‌داد. در صف‌آرایی خط مقدم جبهه پیش از حمله، دو ناشر مجلات مهم کشور در صحنه حضور داشتند. آنها نشریه فرانک لسلی و مجله هفتگی و ماهانه هارپرز بودند. در حالی که شروع یک جنگ بزرگ سازماندهی و تدارک شده بود، صحنه جنگ در اطراف بندر چارلستون و فورت سامتر (۱)، داخل سرزمین اصلی با آرایش دسته‌های توپخانه، رویاروی یکدیگر مانند صحنه تأثر به نظر می‌رسید. فرانک لسلی یک هنرمند انگلیسی به نام ویلیام واد (۲) را با کاغذ و مداد شمعی در ساحل چارلستون گمارده بود. تعدادی از افسران فدرال داخل دژ هم طرح‌هایی برای مجله هفتگی هارپرز فرستادند که کمتر از مقدار تقاضا بود. گمان نمی‌رود که تا آن روز جنگی اتفاق افتاده باشد و این چنین زیر نگاه هنرمندان قرار گرفته باشد. شروع جنگ، آغاز چهار سال گزارش‌های تصویری گردید. در حالی که در روزهای ابتدای جنگ تعداد هنرمندان حاضر در جبهه بسیار زیادتر از آنهایی بودند که در اتاق‌های خود واقع در قسمت پایین مانهاتان به کار مشغول بودند، ولی با گشایش

● هومر و ناست هیچ کدام گزارش مفصل و دقیقی از جنگ انجام ندادند و این کاری بود که بیشتر به وسیله تصویرسازان کم شهرت تری انجام می گرفت که با حضور خود در جبهه ها دوشادوش لشکریان در حرکت بودند.

ماهری برای اتصال و تطبیق ابزارکاری می شد و تصویر یکپارچه به چاپ می رسید. بنابراین علی رغم مهارت های بالا و ابتکارات و اختراعات درخشان و مداوم و جدید، گزارش های تصویری از یک جنگ، پس از چندین روز به مخاطبان خود می رسید. چون هنگام جنگ ماهها به کندی سپری می شد، آن چیزی که به عنوان یک پیروزی چشمگیر مردم را به شوق و امید داشت، کم کم رنگ خود را از دست می داد؛ همان طور که در بیشتر جنگها مشاهده می گردد. بنابراین نمایش های وحشیانه شروع به کاهش گذاشت و جای خود را به واقعیت های ستمکار وا گذاشت. تولید تصویر در آن روز، یک نیاز مردم آمریکا بود گرچه در مقایسه با تولید امروزه به نظر کوچک می آید، ولی هفته نامه هارپرز در روزهای معمول جنگ ۱۲۵۰۰۰ نسخه هر دو روز از زیر چاپ بیرون می داد که این تعداد در روزهای فوق العاده به ۳۰۰/۰۰۰ نسخه می رسید که آنها مانند تحفه دست به دست می گشت. پر خدمت ترین و شناخته شده ترین هنرمندانی که در جنگ داخلی کار کردند عبارتند از: وینسلو هومر (۱۹۱۰ - ۱۸۳۶) (۳) که به عنوان تصویرساز آزاد برای تولید و چاپ برای دو مجله بالوو هارپرز تصویرسازی می کرد. او برای تصویرسازی از لینکن در مراسم افتتاحیه به واشنگتن فرستاده شد و در سال ۱۸۶۲ به یورک تاون (۴) برای تصویرسازی از لشکرکشی ها به پنین سولا (۵) رفت. دوران کار او در جبهه نسبتاً کوتاه بود، ولی او به تصویرسازی از تجربیات دوران جنگ برای چند سال ادامه داد. یکی دیگر از چهره های مشهور دوران جنگ داخلی

ولی به طور کامل با آن درگیر نمی شد، او با سربازان زندگی می کرد، ولی خود هیچ یک از آنها نبود. او در حالی که یک حمله را به تصویر می کشید، به ندرت امکان داشت که در آن شرکت کند. او ممکن بود میان انبوه سربازان گیج و مبهوت پس از پایان حمله نگاه کند و از دیدن آنها به شدت دل شکسته شود، ولی حق نداشت آنها را به تصویر بکشد و اگر چنین می کرد برای ناشر نمی فرستاد، زیرا نه ناشر آماده دیدن چنین تصویری بود نه مردم. بنابراین تصاویر اولیه بیشتر نمایش شمشیری های افراشته و جلوه های شکوهمندی بود که گراورساز به وسیله ابزارهایی که در اختیار داشت طرح را بر روی پلیت چاپ برمی گرداند. یک طرح خطی و مرکبی نیاز به چاپ داشت، در حالی که گزارش های گویشی با خط و نقطه های قراردادی، گویش ها را به خط و نقطه برگردانده و به وسیله دستهای ماهر روی دکمه زده می شد، ولی در نهایت گویش اثر حقیقی یک واقعیت را نمی تواند داشته باشد. اما قطعه گراور هم، به طور طبیعی سریع نمی توانست به کار گرفته شود و بعضی اوقات، آماده سازی طرح های پیچیده و بزرگ یک هفته وقت لازم داشت. برای کم کردن معطلی قطعه را به چهار قسمت برش می زدند و هر قسمت را به یک گراورساز می دادند. این قطعات تا ۱/۸ اینچ مانده به لبه کناری قطعه مجاور خود ابزارکاری می شد و پس از اتمام چهار قطعه پهلوی هم قرار می گرفت و بامقتولهای فلزی به یکدیگر محکم چسبانده می شد. نوار باریک ۱/۸ اینچی بین قطعات مجاور که باقی مانده بود، پس از چسباندن قطعات به یکدیگر توسط گراورساز کاملاً



Edwin Forbes Redwood (1839 - 1995)
Meeting Jackson's Flank Attack, Chancellorsville.
The Century Magazine, September 1885.



Henry A. Ogden (1856 - 1936).
A Louisiana Private, Battles and Leaders of the
Civil War. Century Publishing Company, 1888.

صعود می کردند و همیشه تکیه شان به مداد سربی و خشک نگهداشتن گرد آنها بود. آنها همان طور که آتش خودی را می کشیدند، آتش دشمن را هم ترسیم می کردند، تکانهای نابهنگام و شدید، ازدحام سنگین، بود متناوب حاصل از کشمکش دو طرف، آرایش صف یورش و پیروزی، چیزهایی بود که هنرمندان حاضر در جبهه، خودبخشی از آنها شده بودند و با انگشتان وفادار خود و ترسیم صحنه ها ما را هم شریک خود می کردند.

بخش اعظم طرحهای قدیم نابود شده است و شاید فقط چند هزار از آنها باقی مانده باشد. احتمالاً تعداد زیادی از تصاویر که از منطقه جنگ به شمال برای ناشران فرستاده می شد، پیش از آن که برای حک روی قطعه چوب شمشاد انتخاب شود، به سبد زباله سرازیر می گردید. بعضی از طراحی هایی که گراورسازی و سپس چاپ شده است، به دلیل استفاده از کاغذهای نامرغوب نابود شده است، ولی با تمام این احوال در اطراف کشور مجموعه های بزرگی باقی است.

کتابخانه کنگره بزرگترین مجموعه را از کارهای برادران واد، ادوین فوربس و سایرین دارد، موزه کوپرهیویت (۸) دارای مجموعه ای از کارهای

توماس ناست (۱۹۰۱ - ۱۸۴۰) بود. او که در سن شش سالگی به اتفاق والدین خود به نیویورک آمده بود، در سن ۱۵ سالگی شروع به طراحی برای نشریه خبری مصور فرانک کسلی نمود. در سن ۲۱ سالگی در واشنگتن اقدام به طراحی از عملیات دوران جنگ کرد ولی هرگز به مناطق عملیاتی جنگ نرفت. استعداد ذاتی او گرایش به تصویرسازی طنز بود که بعدها در چهره قدرتمند کاریکاتورهای سیاسی او آشکار گردید.

هومر و ناست هیچ کدام گزارش مفصل و دقیقی از جنگ انجام ندادند و این کاری بود که بیشتر به وسیله تصویرسازان کم شهرت تری انجام می گرفت که با حضور خود در جبهه ها دوشادوش لشکریان در حرکت بودند و خویبها و بدبختی های آنها را از نزدیک مشاهده می کردند و در نهایت بدنه اصلی موضوعات بیشتر نشریات را می ساختند. دو نفر از چنین هنرمندان ویلیام و آلفرد آرواد بودند و به جز تولد انگلیسی شان، پیشینه دیگری از آنها در دست نیست. ویلیام پیش از شروع درگیری و شلیک اولین گلوله جنگ در چارلستون حضور داشت و پس از آن برای تصویرسازی از اردوهای غربی و جنوبی آنجا را ترک نمود. برادرش آلفرد هم برای پی گیری جنگ در ویرجینیا از دفاع واشنگتن و اولین هجوم تا روزهای تنگ و سخت آپوماتکس حضور داشت. این دو برادر هزاران طرح حضوری (در جبهه) به وجود آوردند که خوشبختانه بیشتر آنها نگهداری شده است. یکی دیگر از هنرمندان پربار جبهه، ادوین فوربس (۶) بود که علاوه بر پی گیری فعالیت های ارتش در جبهه، بقیه عمر خلاق خود را وقف تصویرسازی از صحنه های جنگ با استفاده از محفوظات و مشاهدات خود نمود. از طرف متفقین تعداد دیگری از هنرمندان حضور داشتند که مهمترین آنها کنراد وایزچیمین (۷) بود. او در جنگ مجروح شد و پس از بهبود در شایر کار هنری خود را آغاز نموده و با طراحی صدها چهره از نظامیان و زندگی ارتشی به کار خود ادامه داد. هنرمندان جبهه جنگ، دست کم در شمال کشور مورد تقدیر قرار گرفتند و در روزهای پایانی، هفته نامه هارپرز به کسانی که قلم به دست، جان خود را به خطر انداخته بودند هدایای نقدی پرداخت نمود. آنهایی که نه از سربازان کمتر فعالیت کردند و نه کمتر خطر کردند، شریک راه سربازان بودند، چه در کسالت و خستگی و چه با پذیرش خطرات. آنها همانند سربازان سواری می کردند و خود را به آب و گل می زدند، بارها را بالا و پایین می بردند و به بلندیها

● هنرمند
در
صحنه
جنگ
با
واقعیت
در
تماس
بود،
ولی
به طور
کامل
با آن
درگیر
نمی شد،
او
با
سربازان
زندگی
می کرد،
ولی
خود
هیچ
یک
از
آنها
نبود.



Theodore R. Davis (1840-1994).
Federal Lines, Vicksburg, Battles and Leaders of the
Civil War, Century Publishing Company, 1888.

سبب احیای قلم و قلم‌موی هنرمندان آمریکایی شده است و خود موضوع هم، با قلم و قلم‌موی هنرمندان آمریکایی تداوم حیات یافته است. مانند تصویری دیواری که بعداً توسط هوارد پایل در مرکز ایالت مینه‌سوتا کشیده شد، به نام نبرد نشویل و نقاشی آبرنگ جذابان سی وایت برای دو جلد رمان ماری جانسون در مورد جنگ داخلی به نام طومار بلند و آتش بس که نقش تصویرساز را در تفسیر و روشنگری مسائل گذشته از نگاه روز نشان می‌دهد.

● ادامه دارد

وینسلو هومر است که برای هارپرز انجام شده بود. کتابخانه عمومی نیویورک مجموعه کوچکی از تصاویر جنگ دارد که برای هفته‌نامه لسلی انجام شده بود به نظر می‌رسد تنها مجموعه قابل توجه متعین، در موزه والتین در ریچموند ویرجینیا باشد که توسط هنرمندی به نام کنراد وایز چیمن انجام گردیده است. حتی ۲۹ قطعه از کارهای فرانک وایزتلی (۹)، تصویرسازی که از سوی نشریه مصور لندن نیوز از انگلستان به منطقه جنگی اعزام گردید، در تملک دانشگاه هاروارد قرار دارد.

البته تصویرهای جنگ داخلی با تسلیم شدن لی (فرمانده نیروی دشمن) به پایان نرسید و حدود کمتر از یک نسل بعد، مجله سنچری (۱۰) علاقمند شد که خاطرات افراد باقی‌مانده از جنگ را که هنوز زنده بودند جمع‌آوری و ضبط کند و آغاز به چاپ نشریه معروف و آرپی پرز (۱۱) نمود. در طول شش ماه از آغاز گردش کار، شمارگان مجله به یکصد هزار نسخه افزایش یافت و خاطرات افراد شرکت کننده در جنگ از ژنرال گرانت تا یک سرباز پیاده ساده، در روزنامه درج گردید. چند سال بعد با جمع‌آوری اطلاعات پراکنده و منتشر شده، کتابی با گستردگی زیاد به نام: باتلز اند لیدرز آف د سیویل وار (۱۲) (جنگها و فرماندهان جنگ داخلی) که نام آشنا تر آن سنچری وار بوک (۱۳) (کتاب جنگ قرن) انتشار یافت که انباشته از تصویر بود، نه تنها تصاویر اصلی جنگ بلکه کارهایی از نسل جوان مانند جیمز ای تیلور، ای دبلیو کمبل، جیلبرت گاول، جی او دیویدسون و آر اف زاگبوم را شامل می‌شد. موضوع جنگ داخلی

William Waude-2 Fort Sumter-1

۲- هومر - وینسلو (نقاش و تصویرگر آمریکایی (۱۹۱۰-۱۸۲۶). از نخستین نقاشان واقعگرا در آمریکا به شمار می‌آید. او کارش را با چاپگری و مصورسازی مجلات آغاز کرد. به خصوص، برای ماهنامه هارپرز، صحنه‌های جنگ داخلی آمریکا را به تصویر کشید. با پرده‌زدانی از جیب (۱۸۶۶)، به نقاشی روی آورد. ضمن شرکت در نمایشگاه بین‌المللی هاریس (۱۸۶۷)، دو سالی را در فرانسه گذراند. چندین سال به نقاشی موضوعهایی از روزمره روستایی و چشم‌اندازهای آمریکا پرداخت (۱۸۸۰-۱۸۶۸). او نقاشی هوای باز را تجربه می‌کرد؛ ولی برخلاف امپرسیونیست‌ها، از نور برای تشدید صراحت و قاطعیت شکلیا بهره می‌گرفت. پرده لانگ برنج نیوجرسی (۱۸۶۹) نمونه شاخصی از کارهای او در این دوره است. پس از مسافرت به انگلستان (۱۸۸۱-۱۸۸۱)، تغییر روی دید و شیوه‌های کارش پدید شد؛ و با بیانی موجز و بدون تفصیل به تجسیم صحنه‌های دریایی پرداخت. او علاوه بر رنگ روغنی، از آبرنگ نیز، مهارت استفاده می‌کرد. از جمله دیگر آثارش: مزرعه گلستر (۱۸۷۲)؛ خطر زندگی (۱۸۸۴)؛ راست و چپ (۱۹۰۹).

Edwin Forbes-6 Peninsula-5 Yorktown-4

Coopar Hewitt-A Conrad Wise Chapman-V

War Papers-11 The Century-10 Frank Vizetelly-9

Battles and Leaders of the civil war-12

The century war book-12